

۳- تجارت جهانی گندم طی سالهای ۱۹۷۷-۸۸

تجارت:

طی دوره ۷۸/۱۹۷۷^(۱) تا ۸۸/۱۹۸۷ حجم تجارت^(۲) جهانی گندم و آرد گندم بطور متوسط از نرخ رشد سالانه ای برابر ۳/۶ درصد برخوردار بوده است. طی این مدت حجم تجارت جهانی از حدود ۷۲ میلیون تن به حدود ۱۰۴ میلیون تن افزایش یافته است اما اگر مبنای محاسبات را دوره ۷۸/۱۹۷۷ تا ۸۷/۱۹۸۶ قرار دهیم متوسط رشد سالانه تجارت جهانی گندم و آرد گندم طی این مدت ۲/۳ درصد محاسبه خواهد شد. بطور کلی در طول دوره مورد بررسی تجارت جهانی گندم بجز در سالهای ۸۳/۱۹۸۲، ۷۹/۱۹۷۸ و ۸۶/۱۹۸۵ از روندی روبه رشد برخوردار بوده است اما تغییرات مکرر در تقاضای وارداتی دو کشور عمده واردکننده یعنی اتحاد جماهیر شوروی و چین باعث شده است که حجم مبادلات جهانی گندم از سالی به سال دیگر دستخوش نوسانات نسبتاً عمده ای گردد. زیرا میزان واردات این دو کشور بستگی به میزان تولید و میزان تولید در این دو کشور ارتباط بسیار زیادی با شرایط اقلیمی و آب و هوایی دارد.

بطور کلی تجارت جهانی گندم از ۷۲/۴ میلیون تن در سال

۷۸/۱۹۷۷ به حدود ۱۰۴ میلیون تن در سال ۸۵/۱۹۸۴ رسید اما در سال بعد

(۱): در تمام این مقاله به عنوان مثال منظور از سال ۷۸/۱۹۷۷، دوره ژوئیه ۱۹۷۷ تا ژوئن سال ۱۹۷۸ می باشد.

(۲): منظور از تجارت در این مقاله حجم صادرات یا واردات جهانی گندم می باشد که جمع این دو .

حدود ۲۱ میلیون تن کاهش یافت و به ۸۲ میلیون تن رسید و مجدداً "در سال ۸۸/۱۹۸۷ افزایش یافت و به سطح ۸۸/۸ میلیون تن رسید. در سال ۸۸/۱۹۸۷ به سطحی بالاتر از واردات سال ۸۵/۱۹۸۴ یعنی به حد ۱۰۳/۴ میلیون تن افزایش یافت. این رقم برابر آخرین پیش‌بینی‌ها به ۹۷/۴ میلیون تن در دوره ۸۹/۱۹۸۸ تنزل خواهد یافت (جدول شماره ۹). اما اگر واردات این دو کشور را از صحنه تجارت جهانی مستثنی کنیم مشاهده می‌گردد که تجارت جهانی گندم از ۵۷/۵ میلیون تن در سال ۷۸/۱۹۷۷ به ۶۷/۲ میلیون تن در سال ۸۵/۱۹۸۴ و ۶۶/۳ میلیون تن در سال ۸۸/۱۹۸۷ و ۶۸/۹ میلیون تن در سال ۸۹/۱۹۸۸ در تغییر بوده است. در حالی که واردات دو کشور چین و شوروی به تنهایی از ۱۴/۹ میلیون تن در سال ۷۸/۱۹۷۷ به بیش از دو برابر در سال ۸۵/۱۹۸۴ (۳۵/۷ میلیون تن) افزایش یافته است. این رقم در سه سال بعد از آن به ۳۷/۱ میلیون تن افزایش و در سال ۸۹/۱۹۸۸ به ۲۸/۵ میلیون تن تنزل می‌یابد.

نتیجه این‌که دامنه تغییرات در واردات دو کشور چین و اتحاد جماهیر شوروی که سهمی کمتر از ۳۰ درصد تجارت جهانی گندم را به خود اختصاص داده‌اند بسیار بیشتر از دامنه تغییرات در واردات سایر کشورهای جهان که بیش از ۷۰ درصد تجارت جهانی گندم با آنها اختصاص دارد می‌باشد. (۱) این موضوع در نمودار شماره (۳) بوضوح قابل مشاهده است به گونه‌ای که روند واردات دو کشور چین و اتحاد جماهیر شوروی بارونند واردات جهانی همسویی بسیار بیشتری دارد تا روند واردات در سایر کشورها. های جهان، به عنوان مثال در مواردی خصوصاً "سالهای ۷۹/۱۹۷۸، ۸۱/۱۹۸۰، ۸۵/۱۹۸۴، ۸۹/۱۹۸۸ میزان کاهش (یا افزایش) واردات این دو کشور به

(۱): میزان تغییرات در واردات دو کشور فوق الذکر در طی دوره مورد بررسی بیش از ۲۴/۵ میلیون تن بوده است. در حالی که این رقم در سایر کشورهای واردکننده به بیش از ۱۱/۸ میلیون تن نرسیده است.

جدول شماره ۹ - واردات، بیانی گندم و آرد گندم به عتک کشورهای (۱) گندم واردکننده در طی سالهای ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۸ آرد گندم

کشور منطقه	۱۳۷۷ ۷۸	۱۳۷۸ ۷۹	۱۳۷۹ ۸۰	۱۳۸۰ ۸۱	۱۳۸۱ ۸۲	۱۳۸۲ ۸۳	۱۳۸۳ ۸۴	۱۳۸۴ ۸۵	۱۳۸۵ ۸۶	۱۳۸۶ ۸۷	۱۳۸۷ ۸۸	۱۳۸۸ ۸۹
ایالات متحده آمریکا	۶/۳	۵	۱۱/۶	۱۳/۹	۳-	۳+۲/۱	۲+۶/۲	۲۸/۲	۱۵/۹	۲۲	۱۵	۱۳/۵
چین	۸.۶	۸	۸/۷	۱۳/۸	۱۳/۲/۱	۱۲	۶/۸	۷/۲	۸/۶	۱۵/۹	۱۳/۵	۱۳/۵
مصر	۴/۴	۵/۵	۵/۲	۶/۸	۶/۱	۶/۲	۷/۲	۵/۶	۶/۲	۷/۲	۷/۱	۷/۱
ژاپن	۵/۷	۵/۴	۵/۶	۵/۶	۵/۶	۵/۶	۵/۶	۵/۶	۵/۶	۵/۶	۵/۶	۵/۶
کره جنوبی	۱/۸	۱/۷	۱/۸	۱/۶	۱/۶	۱/۸	۱/۸	۲+۵	۲	۲/۲	۲/۲	۲/۲
اسرائیل	۱/۳	۱/۲	۱/۲	۱/۶	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۲+۵	۲	۲/۲	۲/۲	۲/۲
برزیل	۲/۴	۳/۷	۲/۹	۲/۹	۲/۶	۲/۶	۲/۶	۲/۶	۲/۶	۲/۶	۲/۶	۲/۶
الجزایر	۱/۷	۱	۱	۲/۱	۲/۷	۲/۱	۲/۱	۲/۲	۲/۵	۲/۲	۲/۲	۲/۲
مراکش	۱/۸	۱/۴	۱/۷	۲/۱	۲/۲	۲/۲	۲/۲	۲/۲	۲/۵	۲/۱	۲/۱	۲/۱
عراق	۱/۷	۱/۵	۱/۴	۱/۶	۱/۶	۱/۶	۱/۶	۱/۶	۱/۶	۱/۶	۱/۶	۱/۶
بازار مشترک اروپا	۵/۴	۴/۵	۴/۸	۴/۸	۴/۸	۴/۴	۴/۴	۴/۴	۴/۴	۴/۴	۴/۴	۴/۴
کانادا	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱/۲
پاکستان	۱/۱	۲	-/۶	-/۲	-/۲	-/۲	-/۲	-/۲	-/۲	-/۲	-/۲	-/۲
اندونزی	۱	۱/۲	۱+۵	۱/۲	۱+۵	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱/۲
کوبا	۱/۶	۱	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱/۲
سریلانکا	-/۸	-/۷	-/۶	-/۶	-/۶	-/۶	-/۶	-/۶	-/۶	-/۶	-/۶	-/۶
بنگلادش	-/۸	-/۷	-/۶	-/۶	-/۶	-/۶	-/۶	-/۶	-/۶	-/۶	-/۶	-/۶
ملائسیا	-/۸	-/۷	-/۶	-/۶	-/۶	-/۶	-/۶	-/۶	-/۶	-/۶	-/۶	-/۶
اسرائیل	-/۴	-/۷	-/۶	-/۶	-/۶	-/۶	-/۶	-/۶	-/۶	-/۶	-/۶	-/۶
سنگاپور	-/۷	-/۷	-/۵	-/۱	-/۱	-/۱	-/۱	-/۱	-/۱	-/۱	-/۱	-/۱
هندوستان	۵/۵	-/۲	-/۲	-/۲	-/۲	-/۲	-/۲	-/۲	-/۲	-/۲	-/۲	-/۲
سوریه	۵/۵	-/۴	-/۵	-/۲	-/۲	-/۲	-/۲	-/۲	-/۲	-/۲	-/۲	-/۲
تایلند	-/۸	-/۶	-/۶	-/۶	-/۶	-/۶	-/۶	-/۶	-/۶	-/۶	-/۶	-/۶
ترکیه	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
آفریقای جنوبی	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
مجموع	۷۲/۴	۷۱/۷	۸۸/۸	۸۲	۹۶/۹	۹۰/۷	۹۶/۹	۹۶/۹	۹۶/۹	۹۶/۹	۹۶/۹	۹۶/۹

منبع: International Wheat Council, World Wheat Statistics, 1987. (London, October 1987).
 and Market Report, July, 1988.

* برآورد
 ** پیش‌بینی

(۱) ترتیب کشورها بر اساس متوسط حجم در دوره دهساله می باشد.

تنهایی توانسته است علاوه بر اینکه میزان افزایش (یا کاهش) در واردات سایر کشورهای را جبران نماید بلکه منجر به کاهش (افزایش) سطح تجارت جهانی شود. به عبارت دیگر دامنه تغییرات منحنی قرار گرفته در وسط نمودار شعله ۳ بسیار ملایمتر از دامنه تغییرات دو منحنی قرار گرفته در طرفین است.

برابر محاسبات آماری بعمل آمده ضریب تغییرات واردات جهانی گندم

(۱)
(C.V.) طی دوره مورد بررسی ۱۲ درصد بوده است در حالی که ضریب تغییرات واردات سایر کشورهای جهان (به استثنای چین و شوروی) فقط

۶ درصد و ضریب تغییرات واردات دو کشور چین و اتحاد شوروی ۲۹ درصد بوده است. به عبارت دیگر تغییرات در واردات دو کشور چین و

اتحاد شوروی به تنهایی بهتر می تواند پاسخگو و تعیین کننده

تغییرات در واردات جهانی باشد تا تغییرات در واردات سایر نقاط جهان نسبت به تغییرات واردات جهانی.

(۲)
(۳)
(۴)

اما بطور کلی تغییرات حجم تجارت جهان گندم از سالی به

سال دیگر را می توان به عوامل موثر بر تجارت جهانی گندم در دو گروه کشورهای واردکننده و صادرکننده نسبت داد برای این منظور لازم است

ابتدا کشورهای واردکننده و صادرکننده عمده گندم و سپس عوامل موثر بر صادرات و واردات جهانی شناخته شوند.

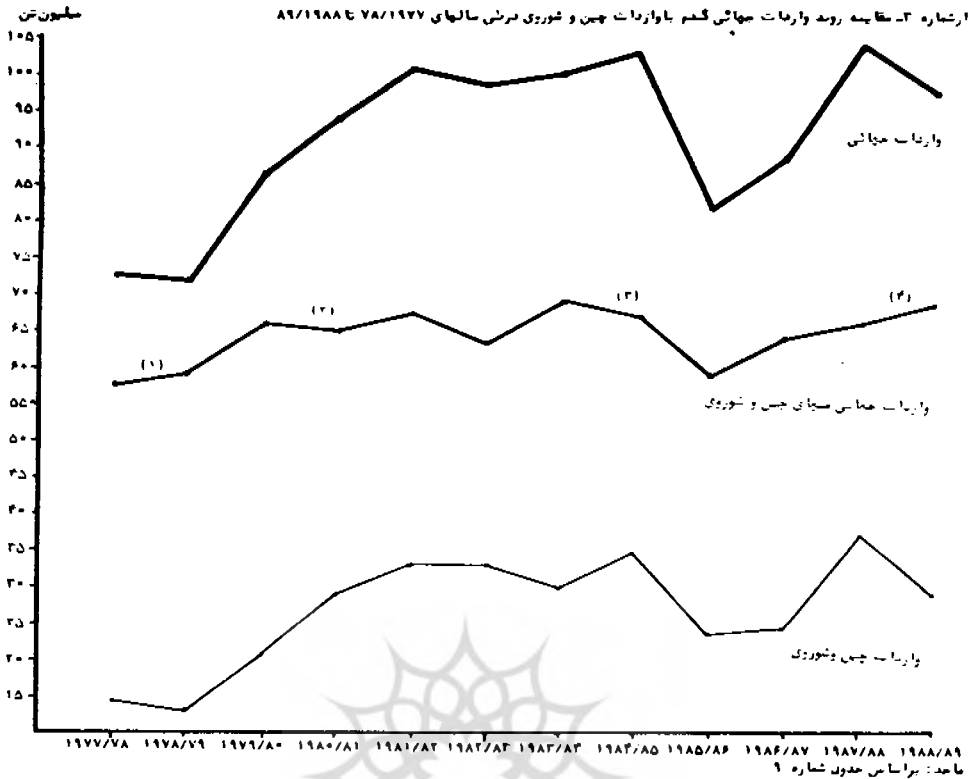
واردات: بطور کلی واردکنندگان عمده گندم و آرد گندم در جهان عبارتند از: اتحاد جماهیر شوروی، چین، مصر، ژاپن، کره جنوبی

(۱): Coefficient of Variation

(۲): $r^2 = 0/94$

(۳): $r^2 = 0/77$

(۴): واریانس میزان واردات دو کشور چین و شوروی برابر $61/48$ بوده در حالی که واریانس واردات سایر کشورهای جهان که حدود ۷۰ درصد از تجارت جهانی را بعهدہ دارند فقط برابر $16/6$ محاسبه شده است.

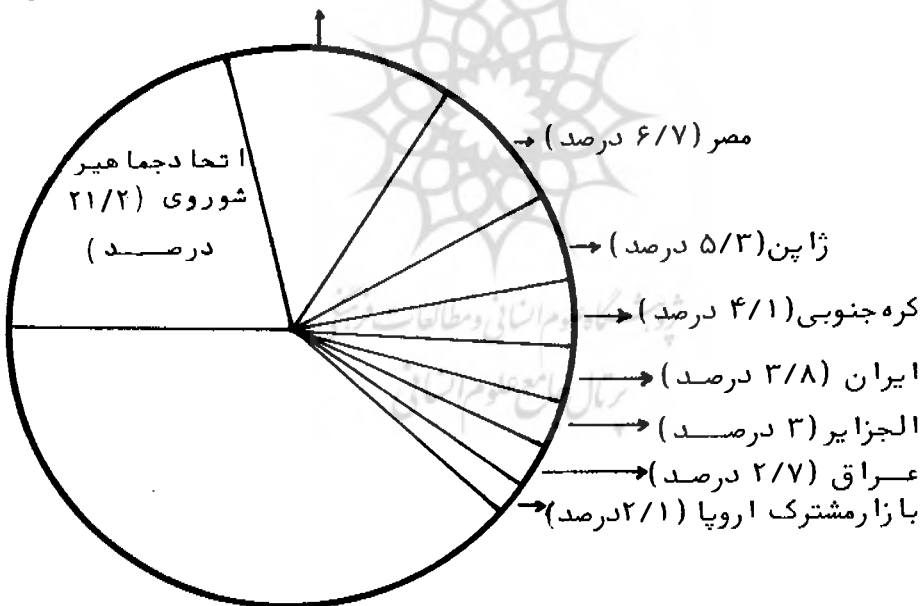


ایران، برزیل، الجزایر و مراکش و از دیگر واردکنندگان نسبتاً مهم گندم نیز می‌توان از کشورهای عراق، بنگلادش، پاکستان، اندونزی، فیلیپین، مکزیک و کوبا نام برد و در صورتی که واردات ناخالص بازار مشترک اروپا را نیز بحساب آوریم این بازار نیز به عنوان یکی از واردکنندگان عمده مطرح خواهد بود. در سال ۱۹۷۷ جمهوری خلق چین با سهمی برابر ۱۱/۸ درصد از واردات جهانی اولین، و اتحاد جماهیر شوروی با سهمی برابر ۸/۷ درصد، دومین واردکننده عمده گندم در جهان بودند در این سال ژاپن و بازار مشترک اروپا نیز هر یک با سهمی برابر ۷/۸ و ۷/۷ درصد از واردات جهانی به ترتیب سومین و چهارمین، و مصر و برزیل با سهمی برابر ۴/۷ و ۳/۶ درصد پنجمین و ششمین و کمره جنوبی و مراکش هر یک با سهمی معادل ۲/۵ درصد از واردات جهانی مشترکاً به عنوان هفتمین واردکننده

بزرگ گندم شناخته شده اند. در این سال الجزایر، عراق، ایران و بنگلادش نیز به ترتیب با سهمی معادل $\frac{2}{3}$ ، $\frac{2}{20}$ ، $\frac{1}{8}$ و $\frac{1}{6}$ درصد از واردات جهانی از دیگر واردکنندگان مهم گندم بوده اند. اما ترتیب واردکنندگان عمده گندم تا سال ۱۹۸۷/۸۸ با افزایش سهم اتحاد جماهیر شوروی، کره جنوبی، مصر، ایران و الجزایر و کاهش سهم بازار مشترک اروپا و ژاپن دچار تغییراتی شد که سهم هریک در نمودار زیر مشخص شده است.

نمودار شماره ۴: سهم کشورهای عمده واردکننده گندم از واردات جهانی گندم در سال ۱۹۸۷/۸۸

جمهوری خلق چین (۱۴/۶ درصد)



سایر نقاط جهان (۳۶/۶ درصد)

مأخذ: براساس ارقام جدول شماره ۹.

طی سالهای ۱۹۷۷ تا ۱۹۸۶ از میان گروه‌های سه‌گانه کشورها،

سهم گروه کشورهای توسعه‌یافته سرمایه‌داری در واردات جهانی از ۲۶ به

۲۴/۴ درصد سهم کشورهای سوسیالیستی از ۳۰/۷ به ۲۵/۳ درصد کاهش یافته است در حالی که سهم کشورهای در حال توسعه سرمایه‌داری طی این مدت از ۴۳/۳ به ۵۰/۳ درصد افزایش یافته است اما اگر سهم گروه کشورهای سوسیالیستی را در دو گروه کلی کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته ادغام نمائیم سهم این گروه‌ها طی این مدت تقریباً "بدون تغییر و بی‌ترتیب برابر ۶۶ و ۳۴ درصد بوده است".

طی این مدت (۱۹۷۷ تا ۸۶) ارزش واردات جهانی گندم و آرد گندم با ۳/۳ درصد رشد سالانه از ۱۱ میلیارد دلار به ۱۴/۷ میلیارد دلار افزایش یافته است. سهم کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه سرمایه‌داری - به لحاظ ارزش - در واردات جهانی افزایش و طی این مدت سهم کشورهای سوسیالیستی کاهش داشته است. طی این مدت ارزش واردات کشورهای توسعه‌یافته سرمایه‌داری از ۲/۸ به ۴/۴ میلیارد دلار و ارزش واردات کشورهای در حال توسعه سرمایه‌داری از ۷/۷ به ۷/۱ میلیارد دلار افزایش داشته است در صورتی که طی دوره فوق‌الذکر ارزش واردات کشورهای سوسیالیستی از ۳/۳ به ۳/۱ میلیارد دلار کاهش داشته است. از مقایسه روند میزان و ارزش واردات این گروه کشورها می‌توان پی برد که طی این مدت کشورهای توسعه‌یافته سرمایه‌داری بیشتر بدنبال خرید گندم مرغوب و با کیفیت بالا بوده‌اند در حالی که کشورهای سوسیالیستی عمدتاً "گندم با کیفیت پایین و احتمالاً گندم دامی را طالب بوده‌اند حال آنکه واردات کشورهای در حال توسعه سرمایه‌داری عمدتاً "متوجه گندم با کیفیت متوسط برای تهیه نان و بعضاً گندم دامی بوده است زیرا سهم ارزش واردات گندم کشورهای توسعه‌یافته سرمایه‌داری نسبت به ارزش واردات جهانی (علی‌رغم کاهش سهم واردات، به لحاظ مقدار) افزایش زیادی داشته است در حالی که طی این مدت کاهش سهم واردات کشورهای سوسیالیست‌ها ز نظر

ارزش بسیار بیشتر از کاهش سهم واردات این کشورها در واردات جهانی از نظر مقدار بوده است. از طرفی از بعد ارزش افزایش سهم واردات کشورها در حال توسعه سرمایه‌داری کمتر از افزایش مقداری آن بوده است. طی دوره ۷۸/۱۹۷۷ تا ۸۶/۱۹۸۵ سهم واردات در مصرف گندم اتحاد جماهیر شوروی یا به عبارتی میزان وابستگی این کشور به گندم خارجی از ۵/۹ درصد به ۱۷/۲ درصد افزایش یافته است. البته این رقم طی سالهای ۸۲/۱۹۸۱ تا ۸۵/۱۹۸۴ به حدود ۲۰ درصد و در سال ۸۵/۱۹۸۴ به حدود ۲۹ درصد نیز رسیده است. اما بطور کلی طی دوره مورد بررسی میزان وابستگی این کشور به واردات گندم روبه افزایش بوده است و اگرچه طی سالهای اخیر نشانه‌هایی از کاهش رشد سهم واردات این کشور در مصرف داخلی بچشم می‌خورد اما به هر حال سهم روبه‌تزايد واردات گندم در مصرف داخلی این کشور بنگاه اهمیت واردات گندم در اقتصاد این کشور می‌باشد طی همین مدت سهم واردات دومین کشور بزرگ واردکننده در مصرف داخلی از ۱۵/۹ به ۷/۴ درصد کاهش یافته است و اگرچه این رقم در سالهای نظیر سال ۸۱/۱۹۸۰ تا حدود ۲۰ درصد مصرف داخلی این کشور را تشکیل می‌داده است اما بطور کلی میزان وابستگی این کشور به گندم خارجی روندی نزولی را می‌پیماید.

سهم واردات سومین واردکننده عمده گندم در جهان یعنی کشور مصر در مصرف داخلی این کشور از حدود ۷۳ درصد به ۷۸ درصد افزایش یافته و در بعضی سالها این رقم به ۹۵ درصد نیز رسیده است. به هر حال میزان وابستگی این کشور روبه افزایش و میزان خودکفائی آن بطور فزاینده روبه کاهش می‌باشد. ژاپن نیز بین ۹۲ تا ۱۰۰ درصد از گندم مصرفی خود را در مواقعی از محل واردات تامین نموده است. اما با توجه به محدودیتهای اقلیمی بعید بنظر می‌رسد که این روند حداقل در

کوتاه مدت دچار دگرگونی شود. بنا بر این با توجه به عادت کردن ذائقه مردم این کشور به مصرف گندم و محدودیتهای تولید آن در این کشور و تحت الشعاع قرار گرفتن غذای بومی ژاپن (برنج) اهمیت واردات گندم در اقتصاد این کشور و دورنمای تداوم درازمدت واردات گندم در این کشور قابل تبیین است. کره جنوبی نیز به عنوان پنجمین واردکننده عمده وضعیتی نظیر ژاپن دارد با این تفاوت که (برخلاف ژاپن که وارداتی تقریباً " نزولی و تولید گندم اندک آن روبه افزایش بوده است) واردات گندم کره جنوبی بشدت افزایش داشته و تولید این کشور از رقم ۴۵ هزار تن در سال ۱۹۷۷ به میزان ناچیز ۵ هزار تن در سال ۱۹۸۶ تنزل یافته است .

برابر جدول شماره ۹ طی سالهای مورد بررسی سهم واردات گندم در ایران نسبت به مصرف داخلی از ۱۹ درصد به ۲۵ درصد افزایش یافته است . به عبارت دیگر به علت رشد جمعیت و در نتیجه رشد بیشتر مصرف نسبت به رشد تولید میزان اتکال این کشور به گندم وارداتی افزایش نشان می دهد . اما برابر جدول شماره ۸ (مندرج در شماره گذشته ماهنامه) میزان وابستگی این کشور به واردات گندم خارجی طی سالهای ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ از ۷/۸ درصد به ۱۹ درصد افزایش و در صد خود کفائی از حدود ۸۹ درصد به حدود ۷۹ درصد تقلیل یافته است . و این در حالی است که طی این مدت به علت رشد بیشتر جمعیت نسبت به تولید مصرف سرانه گندم از کاهش نسبی نیز برخوردار بوده است . لذا با عنایت به روند فوق اهمیت تولید گندم به لحاظ اقتصادی و غذایی و سهم آن در تولید ناخالص داخلی بدیهی است که لزوم توجه بیشتر به مسائل مختلف اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی و فنی این محصول از سوی برنامه ریزان و سیاست گزاران بخش کشاورزی در اقتصاد کشور قابل توصیه می باشد .

از دیگر واردکنندگان عمده گندم که سهم واردات یا میسران

وابستگی آن طی سالهای موردبررسی بین ۵۰ تا ۸۴ درصد در نوسان بوده است می توان ازالجزایر نام برد. همچنین طی این مدت سهم واردات گندم در مصرف داخلی عراق به عنوان هشتمین واردکننده عمده گندم از ۸۷/۶ به ۵۵/۵ درصد تنزل یافته است. البته در بعضی از سالها نظیر سال ۸۵/۱۹۷۹ این نسبت تا حدود ۹۶ درصد نیز افزایش نشان می دهد. در پایان دوره موردبررسی، کاهش میزان وابستگی مراکش و خودکفایی نسبی مکزیک و هندوستان قابل توجه می باشد. ضمناً "در طی این مدت سهم وابستگی به واردات گندم خارجی در مصرف گندم با زار مشترک اروپا از ۱۴ درصد به ۴/۵ درصد کاهش یافته است.

لازم به ذکر است که حدود ۲ درصد از گندم مصرفی جهان، در بازارهای جهانی مورد داد و ستد قرار می گیرد. در بعضی از کشورهای علی رغم کوچک بودن سهمشان در واردات جهانی، میزان وابستگی آنها بسیار زیاد می باشد (نظیر کره جنوبی) اما در بعضی از کشورها (نظیر اتحاد جماهیر شوروی و چین) علی رغم بزرگ بودن سهم آنها در واردات جهانی ظاهراً "از درصد وابستگی کمتری برخوردارند حال آنکه واردات آنها به لحاظ حجم، میزان انبوهی را تشکیل می دهد که تقریباً "نصف واردات سایر نقاط جهان می باشد. برابرمحاسبات بعمل آمده طی سالهای ۱۹۷۷ تا ۱۹۸۵ ارزش واردات جهانی گندم و آرد گندم بین ۰/۹ تا ۱/۱ درصد ارزش واردات کالائی در جهان را تشکیل می داده است و طی همین مدت سهم ارزش واردات گندم نسبت به کل ارزش واردات محصولات کشاورزی در جهان نیز بین ۴/۵ تا ۶/۹ درصد در نوسان بوده است. این نسبت برای گروه کشورهای توسعه یافته بین ۱/۷ تا ۲/۱، برای گروه کشورهای در حال توسعه بین ۱۱/۳ تا ۱۳/۶ و برای گروه کشورهای سوسیالیستی بین ۹/۴ تا ۲۵/۳ درصد در تغییر بوده است. در میان کشورهای عمده واردکننده، بزرگترین سهم

ارزش واردات گندم نسبت به ارزش واردات محصولات کشتا و رزی به ترتیب متعلق به چین و برزیل و پس از آن مصر، الجزایر و مراکش بوده است. این رقم برای پنج کشور یا د شده فوق بین ۱۲ تا ۴۸ درصد و برای کشورهای نظیر اتحاد جماهیر شوروی، کره جنوبی، ایران و عراق ما بین ۹ تا ۲۳ درصد در نوسان بوده است. این رقم برای کشورهای با زار مشترک اروپا و ژاپن بین ۱/۱ تا ۵/۲ درصد متغیر بوده است.

صادرات: بطور کلی بازار جهانی گندم در اختیار پنج صادرکننده عمده که بیش از ۹۰ درصد صادرات جهانی گندم را به خود اختصاص داده اند می باشد. این صادرکنندگان به ترتیب عبارتند از: ایالات متحده آمریکا (۲۸ تا ۴۹ درصد) (۱) کانادا (۱۶ تا ۲۳ درصد)، با زار مشترک اروپا (۶ تا ۱۸ درصد)، استرالیا (۸ تا ۱۷ درصد)، آرژانتین (۴ تا ۱۰ درصد). البته طی این مدت کشورهای نظیر سوئد، بلغارستان، مجارستان، رومانی و بعضاً ترکیه و هندوستان، اتحاد جماهیر شوروی، آفریقای جنوبی و اخیراً عربستان کم و بیش به صورت صادرکنندگان کوچک گندم در بازارهای جهانی حضور داشته اند. اما هیچگاه سهم این کشورها و دیگر صادرکنندگان غیر عمده گندم (بجز در سال ۱۹۷۸/۷۹) به بیش از ۱ درصد نرسیده است. اکنون عربستان سعودی، مجارستان، سوئد را می توان از زعمده ترین صادرکنندگان درجه دوم گندم دانست اما نمی توان به صادرات کشورهای بلغارستان، رومانی و آفریقای جنوبی بطور مستمر اطمینان داشت در صورتی که صادرات کشورهای نظیر هندوستان، ترکیه و اتحاد جماهیر شوروی بعضاً جنبه عبور مجدد دارد. زیرا به دلیل تعهدات بلندمدت و سایر ملاحظات سیاسی و اقتصادی، اغلب این کشورها حتی در مواقعی که گندم ما را زار مصرف ندارند جهت انجام تعهدات خود ناچار به تامین گندم مورد نظر از محل واردات خواهند شد. بطور متوسط حدود ۱۹ (۱)؛ اعداد داخل پراکنده منتهی به سهم این کشورها را نسبت به کل صادرات جهانی طی دوره ۷۸/۱۹۷۷ تا ۸۹/۱۹۸۸ نشان می دهد.

تا ۲۰ درصد ازگندم تولیدشده درجهان از طریق مبادلات بین المللی به بازارهای مصرف می‌رسد و قریب ۸۰ درصد از کل تجارت جهانی گندم در اختیار گروههای بزرگ تجاری و شرکتهای فرا ملیتی می‌باشد. بطور متوسط (۱) حدود ۵۰ درصد از تولید پنج صادرکننده عمده گندم به صادرات اختصاص می‌یابد. در همین حال تولید این کشورها بطور متوسط حدود ۳۵ درصد از تولید جهانی را شامل می‌شود. این کشورها همچنین سهم بسیار قابل توجهی از تولید خود را به صادرات اختصاص داده‌اند. سوئد و مجارستان نیز سهم نسبتاً "زیادی از تولید خود را به صادرات اختصاص داده‌اند حال آنکه نسبت صادرات از تولید سایر کشورهای غیر عمده صادرکننده قابل توجه نمی‌باشد. طی سالهای مورد بررسی ایالات متحده آمریکا بطور متوسط بین ۳۵ تا ۶۷ درصد از تولید خود را به صادرات اختصاص داده است. این رقم برای کانادا بین ۶۴ تا ۸۰ درصد و در سالهایی به ۹۰ درصد نیز رسیده است. نسبت صادرات به تولید گندم در آرژانتین رقمی بین ۴۱ تا ۷۴ درصد بوده و این رقم در مورد استرالیا به بیش از ۹۵ درصد نیز بالغ شده است. اما نسبت صادرات بازاری مشترک اروپا به تولید داخلی به علت تولید و مصرف زیاد دوازده کشور عضو، فقط بین ۱۱ تا ۲۶ درصد بوده است. سهم صادرات سوئد از تولید داخلی گندم بین ۳۶ تا ۴۹ و سهم مجارستان بین ۷ تا ۳۴ درصد بوده است. عربستان سعودی

- (۱): در راس این گروهها می‌توان موسسه "Cargill" که اولین موسسه کشاورزی و غذایی جهانی است را نام برد. همچنین می‌توان از شرکت "Continental Grain" (متعلق به خانواده فریبرگ (Fribourgh)) و موسسات "Louis -Dreyfus" و "آندره" Andre و "باج" Bunge نام برد. در ضمن دو موسسه ژاپنی میستسوی و میتسوبیشی نیز قابل ذکر هستند. از موسسات دیگری که فعالیتشان به تغییر شکل دادن گندم محدود است (شرکتهای بزرگ تجاری Sogo-Shosha) ژاپن می‌باشد. یکی از موسساتی که در سالهای اخیر موقعیت مناسبی در تجارت جهانی غلات کسب نموده است موسسه "Ferruzzi" می‌باشد که توانسته است در مدت کوتاهی در ردیف موسسات طراز اول تجارت جهانی قرار گیرد.
- (۲): منظور کشورهای ایالات متحده آمریکا، کانادا، استرالیا و آرژانتین و کشورهای بازاری مشترک اروپا می‌باشد.

که از سال ۸۶/۱۹۸۵ به جرگه صادرکنندگان گندم پیوست. در این سال ۱۷ درصد و در سال ۸۷/۱۹۸۶ حدود ۷۶ درصد از گندم تولیدی خود را صادر کرده است، اما سایر کشورهای صادرکننده غیر عمده فقط توانسته اند بین ۱ تا ۱۵ درصد تولید خود را به بازار عرضه نمایند. ناگفته نماند که صادرات عربستان به قیمت تحمل هزینه هنگفت سوبسیدهای تولیدی (۱۰۰۰ دلار هزینه برآی تولید هر تن گندم) (۱)، و اختصاص اکثر امکانات و زمینهای زراعی دیگر به کشت گندم و از دست دادن نسبی سایر تولیدات داخلی نظیر جو و لینیات حاصل شده است. این کشور بزرگترین واردکننده جو در جهان و سومین واردکننده مرغ پس از شوروی و آلمان غربی می باشد. (۲)

در اینجا لازم به اشاره است که کارآئی زیاد صنایع تبدیلی همراه با ظرفیتهای عظیم تولیدی و هزینه کمتر تبدیل در کشورهای بازار مشترک اروپا باعث شده است که این کشورها بتوانند در بازار جهانی به صورتی جدای از دیگر صادرکنندگان ظاهر شوند. بدین صورت که این کشورها به سبب ویژگیهای فوق همه ساله درآمد زیادی از طریق واردات گندم و صدور آرد گندم تحصیل می نمایند. به این علت نام کشورهای عضو این بازار "تواما" در لیست صادرکنندگان و واردکنندگان گندم ثبت می باشد. این بازار اولین صادرکننده آرد گندم درجه سسان می باشد. که بطور متوسط بیش از ۵۰ درصد صادرات جهانی آرد گندم را بخود اختصاص داده است و در سالهایی این رقم به ۷۰ درصد نیز رسیده است. طی سالهای ۱۹۸۵ تا ۱۹۸۶ درآمد حاصل از صادرات آرد گندم در این بازار بین ۳/۵ تا ۹/۵ میلیارد دلار بوده است. ایالات متحده

(۱): این کشور اخیراً ادعا نموده که توانسته است هزینه تولید خود را در حد قیمتهای جهانی تقلیل دهد.

(۲): موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، مجموعه هفته نامه اخبار بازرگانی جهان جلد سوم، قسمت اول آذر ۱۳۶۵، ص ۳۸۱۰.

دومین و کانادا سومین صادرکننده آرد گندم در جهان می باشند که هر یک طی سالهای فوق الذکر به ترتیب و بطور متوسط در آمدی بالغ بر ۲۰۰ میلیون دلار و ۸۰ میلیون دلار از این محل داشته اند. طی سالهای فوق الذکر صادرات جهانی آرد گندم بین شش تا نه میلیون تن در نوسان بوده است، سهم هر یک از صادرکننده فوق صادرات جهانی آرد گندم بطور متوسط برابر ۱۰،۲۵،۵۰ درصد بوده است. سهم سایر کشورهای صادرکننده نیز حدود ۱۵ درصدی باشد. اما صادرات منحصر بفرآورد گندم توسط بازار مشترک اروپا و توان مالی بسیار بالای این بازار در حمایت از صادرات گندم و وضع سوبسیدهای صادراتی از یک طرف و عوارض وارداتی از طرف دیگر باعث گردیده است که این بازار بتواند علاوه بر حصول درآمدهای کافی، جهت حفظ سهم خود در بازار، قیمت‌هایی با قابلیت رقابت بیشتری را در مقابل تشویق‌های صادراتی سایر رقبای صادرکننده خصوصا " آمریکا، کانادا و استرالیا پیشنهاد نماید.

به گونه‌ای که این کشورها از جمله معترضین رسمی نسبت به سیاست‌های صادراتی بازار مشترک می باشند تا حدی که جنگ بر سر سوبسیدهای اعطائی تاکنون جنجال‌های سیاسی و اقتصادی زیادی را بین این کشورها ایجاد نموده است.

عوامل موثر بر تجارت جهانی گندم :

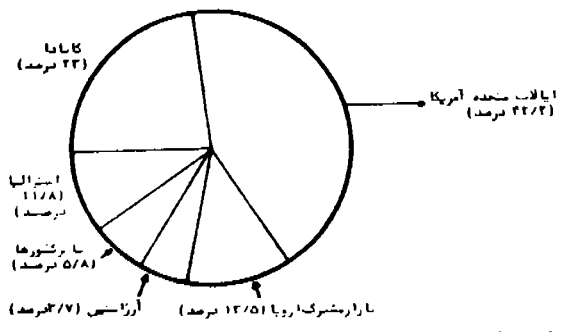
بطور کلی عوامل موثر بر تجارت جهانی گندم را می‌توان به عوامل اقتصادی، سیاسی، طبیعی و فنی و تکنولوژیکی تقسیم نمود. از

(۱) با اعمال این سیاستها، این بازار نه تنها توانسته است سهم خود را در بازار جهانی حفظ نماید بلکه از سال ۱۹۷۷ تا ۱۹۸۸ سهم این بازار در صادرات جهانی از حدود ۶ درصد به حدود ۱۸ درصد افزایش یافته است.

(۲) جهت آشنائی بیشتر با عوامل اقتصادی موثر بر تجارت جهانی گندم خصوصا " رابطه تغییرات ارزش دلار آمریکا با تجارت جهانی گندم، رجوع شود به: موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ماهنامه بررسیهای بازرگانی، (شماره ۱ سال دوم خرداد ۱۳۶۷). ص ۳۵ تا ۵۵.

کشور/منطقه	سال	۱۹۷۷/۷۸	۱۹۷۸/۷۹	۱۹۷۹/۸۰	۱۹۸۰/۸۱	۱۹۸۱/۸۲	۱۹۸۲/۸۳	۱۹۸۳/۸۴	۱۹۸۴/۸۵	۱۹۸۵/۸۶	۱۹۸۶/۸۷	۱۹۸۷/۸۸	۱۹۸۸/۸۹
کشور هند	۷۸	۳۱/۵	۷/۲	۱۵/۴	۱۱/۱	۳/۹	۲/۷	۴/۵	۲/۷	۲/۷	۲/۷	۲/۷	۲/۷
ایالات متحده آمریکا	۷۹	۱۳/۵	۷/۲	۱۵/۴	۱۱/۱	۳/۹	۲/۷	۴/۵	۲/۷	۲/۷	۲/۷	۲/۷	۲/۷
ارژانتین	۷۸	۲/۷	۲/۷	۲/۷	۲/۷	۲/۷	۲/۷	۲/۷	۲/۷	۲/۷	۲/۷	۲/۷	۲/۷
جمع پنج صادرکننده فوق		۶۵/۷	۳۲/۸	۸۲	۸۷/۸	۹۹/۹	۱۵/۷	۱۵/۷	۱۵/۷	۱۵/۷	۱۵/۷	۱۵/۷	۱۵/۷
جمع سایر کشورهای اروپا		۶/۷	۷/۱	۴/۲	۳/۸	۲/۹	۲/۹	۲/۹	۲/۹	۲/۹	۲/۹	۲/۹	۲/۹
(مجارستان)		۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱
(سوئد)		۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱
(بلجاریستان)		۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱
(رومانی)		۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱
(اتحاد شوروی)		۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱
(بریکه)		۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱
(هندوستان)		۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱
(مورستان)		۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱
(آفریقای جنوبی)		۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱
جمع جهان		۷۲/۴	۷۲/۴	۷۲/۴	۷۲/۴	۷۲/۴	۷۲/۴	۷۲/۴	۷۲/۴	۷۲/۴	۷۲/۴	۷۲/۴	۷۲/۴

نومار شماره ۵ - حجم صادرات گندم و آرد گندم پنج صادرکننده عمده گندم در صادرات جهانی طی سال ۱۹۸۷/۸۸



منبع: با استفاده از جدول شماره ۱۰.

منبع: * : برآورد
* : پیش بینی
سال: International Wheat Council, "World Wheat Statistics, 1987" (London, October 1987) and Market Reporter.

مهمترین عوامل اقتصادی می‌توان به میزان عرضه و تقاضای گندم و سایر غلات جایگزین (خصوصاً "غلات دامی") و سطح ذخائر هریک، میزان تقاضاهای وارداتی کشورهای عمده واردکننده خصوصاً "چین و اتحاد جماهیر شوروی"، توان صادراتی هریک از کشورهای صادرکننده در ارتباط با کل گندم قابل صدور در هر دوره، سطح قیمت‌های گندم و سایر غلات جایگزین، وضعیت کلی اقتصادی حاکم بر جهان (رونق یا رکود)، توانائیهای مالی و وضعیت تراز پرداختهای کشورهای در حال توسعه واردکننده و میزان قدرت خرید آنها، کاهش درآمدی این محصولات در کشورهای مختلف، میزان و کیفیت تسهیلات اعتباری در نظر گرفته شده توسط کشورهای صادرکننده، میزان کمک‌های سوبسیدهای صادراتی هریک از این کشورها و شدت رقابتهای تجاری در این خصوص، سیاستهای مختلف مالی و پولی و تجاری نظیر تغییرات نرخ بهره یا نوسانات نرخ برابری ارزها خصوصاً "تغییرات ارزش دلار و... اشاره کرد، از طرفی سازمانها و قراردادهای بیسن - المللی، موافقتنامه‌های دوجانبه یا چندجانبه طویل‌مدت، میان مدت و کوتاه مدت، سیاستهای استعماری، در ارتباط با تجارت خارجی و در یک کلام ملاحظات ایدئولوژیک، دیپلماتیک و سایر انگیزه‌های سیاسی - که نمونه‌ای از آن ذکر خواهد شد می‌توان به عنوان عوامل سیاسی موثر بر تجارت جهانی ذکر نمود. اما عوامل طبیعی و جغرافیایی می‌توانند بصورت غیرمستقیم در میزان تولید و در نتیجه در میزان تقاضاهای کشورهای واردکننده یا ظرفیت صادراتی کشورهای صادرکننده تاثیر بگذارند و از عوامل فنی موثر بر تجارت جهانی می‌توان به تاسیسات و تسهیلات بندری، ظرفیت اسکله‌های بارگیری در هر دو گروه از کشورهای واردکننده صادرکننده، عمق آبهای بنادر و راه‌های بندری در ارتباط با ظرفیت کشتیها و یخبندان رودخانه‌های مسیر کشتیها خصوصاً "در آمریکا شمالی،

ظرفیت، کیفیت و قابلیت سرویسهای حمل و نقل و وسائل بارگیری مخصوص گندم، مسائل مربوط به بیمه‌های حمل و نقل و تسهیلات ارتباطی و اعتباری مربوطه در دو گروه کشورهای واردکننده و صادرکننده اشاره نمود. اما بدون شک در بازاری جهانی انگیزه‌های سیاسی و منافع اقتصادی آن چنان بهم آمیخته‌اند که تفکیک این دو بسیار مشکل است. اما در مواردی آینده‌نگری‌های سیاسی توانسته است منافع اقتصادی کوتاه مدت را جهت حفظ منافع اقتصادی دراز مدت تحت الشعاع قرار دهد.

به عنوان مثال توقف مذاکرات مربوط به تجدید قرارداد های خرید و فروش غله بین آمریکا و شوروی پس از اعلام حکومت نظامی در لهستان (در سال ۱۹۷۹) و همچنین ممنوعیت صدور گندم و تکنولوژی آمریکا به شوروی به دنبال تجا و رنظامی این کشور به افغانستان نمونه‌های بارزی از این مصادیق هستند. از موارد دیگری می‌توان به عدم تحویل گندم به دولت آلمند در شیلی توسط آمریکا و در عین حال تحویل مقدار معتنا بهی گندم به رهبران نظامی حکومت کودتا (پینوشه) و بیدرنگ تصویب اعطای وام به این کشور علی رغم وجود مشکلات قانونی و اقتصادی اشاره کرد. شورای ملی مشورتی آمریکا به اتکا ماده‌ای از قانون که پرداخت چنین کمک‌های مالی را "بنا بر علل مهم سیاست خارجی" ممکن می‌ساخت. این وام را تصویب نمود و از سال ۱۹۷۴ مجدداً نام شیلی در لیست کشورهای کمی توانند از وام‌های مخصوص قانون عمومی (PL ۴۸۰) استفاده کنند ثبت شد. یکسال بعد میزان گندمی که آمریکا به شیلی ارسال داشت متجاوزاً از هفتاد برابر گندم ارسالی در سالهای حکومت آلمند بود. در سال ۱۹۷۵ نیز وابسته سفارت آمریکا در ایران جهت توسعه واردات آمریکا به ایران با اعمال نفوذ پیشنها نمود که دولت ایران به دلایل امنیتی (بروزدگی‌های احتمالی) و به عنوان ذخیره ارتش، مقدار یک میلیون تن بیشتر از نیازهایش کند. در همان

سال ۲ آمریکا به منظور مقابله با صادرات گندم کانادا و استرالیا به ایران، مبلغ ۲۵ میلیون دلار به بانک عمران^(۱) (بانک شاه) جهت خرید گندم و وام داد و از آن سال خرید گندم با استفاده از قانون عمومی ۴۸۰ (PL480) آغاز گردید. (۲) هم‌اکنون (در سال ۱۹۸۹) حدود سی کشور جهان سومی از تسهیلات مربوط به این قانون استفاده می‌کنند و چنانکه می‌دانیم این قانون سه هدف عمده را تعقیب می‌کند: الف - توسعه سیاست خارجی آمریکا، ب - صادرات مازاد محصولات کشاورزی این کشور و ج - "ظواهر" مبارزه با قحطی در جهان.

دورنمای تجارت جهانی گندم ۱

برابر پیش‌بینی بعمل آمده در جدول شماره ۱۱ تجارت جهانی نسبی گندم تا سال ۲۰۰۰ با متوسط نرخ رشد سالیانه‌ای در حدود ۳/۰ درصد به ۹۴ میلیون تن خواهد رسید که در بخش واردات ۸۲ میلیون تن از این مقدار به کشورهای در حال توسعه و ۱۲ میلیون تن آن به کشورهای پیشرفته صنعتی اختصاص خواهد داشت. به عبارت دیگر واردات کشورهای در حال توسعه با نرخ ۲/۵ درصد رشد سالیانه رو به افزایش می‌باشد اما کشورهای پیشرفته (اعم از سرمایه‌داری و سوسیالیستی) تا سال ۲۰۰۰ سالیانه ۶/۷ درصد از میزان واردات خود خواهند کاست که سهم عمده‌ای از این کاهش مربوط به اتحاد جماهیر شوروی و برخی کشورهای اروپای شرقی خواهد بود. طی این

(۱): این بانک توسط خود آمریکا ثیان و جهت اعطای اعتبارات توسعه طلبانه و گسترش صادرات و در نتیجه وابستگی روزافزونتر ایران تاسیس شده بود.

(۲): دن مورگان، غولهای غلات، ترجمه امیر حسین جهانگل (تهران، نشر نو، ۱۳۶۳) ص ۱۲۳-۱۲۴.

(۳): افزایش سهم ایالات متحده در تجارت جهانی گندم پس از اجرای برنامه‌های اقتصادی - ولی با اهداف سیاسی نظیر قانون عمومی (PL480) و برنامه توسعه صادرات (E.E.P) "Export Enhancement Programme" و همچنین اعلام صریح مسئولان وزارت کشاورزی این کشور مبنی بر اینکه مقاصد سیاسی آمریکا از تصویب این گونه پرداختها را نیاوستی دست کم گرفت "گواه صادقی برایین مدعا است."

جدول شماره ۱۱- پیش بینی تولید، مصرف و تجارت جهانی گندم و میزان رشد آن تا سال ۲۰۰۰
 واحد: میلیون تن
 رشد: درصد

سال ۲۰۰۰											
(دوره رشد ۱۹۸۵-۲۰۰۰)											
کشورهای در حال توسعه	تولید	مصرف	کمبود	مازاد	صادرات	واردات	رشد تولید	رشد مصرف	رشد صادرات	رشد واردات	رشد جمعیت
کشورهای در حال توسعه	۲۴۸	۴۲۲	-۷۴	-	۹	۸۲	+۳/۳	+۲	+۱/۷	+۲/۵	+۱/۱
آمریکای لاتین	۳۳	۳۷	-۴	-	۸	۱۲	+۲/۸	+۲/۵	+۱/۱	+۱/۲	+۱/۱
آفریقای شمالی	۱۲	۲۷	-۱۵	-	-	۱۶	+۳/۴	+۲	-	+۱/۴	+۲/۵
جنوب صحرای آفریقا	۳	۱۵	-۱۲	-	-	۱۲	+۴/۵	+۵/۴	-	+۶	+۳/۱
چین	۱۴	۴۴	-۲۸	-	-	۲۸	+۳/۸	+۳	-	+۳	+۳
هندوستان	۱۵۰	۱۵۶	-۶	-	-	۶	+۳/۶	+۳	-	-۲/۷	+۱/۲
خاورمیانه	۷۶	۷۶	-	-	-	-	+۳/۵	+۲/۴	-	-	+۱/۸
دیگر کشورهای آسیای	۴۰	۵۱	-۱۱	-	۱	۱۱	۲/۳	-۰/۵	۰	+۱/۳	+۲/۸
جمع آسیا	۲۹	۵۴	-۲۵	-	-	۲۵	+۳/۲	+۳/۱	-	+۵/۶	+۲
کشورهای صنعتی	۲۸۹	۲۱۶	-	+۷۳	۸۵	۱۲	-۰/۳	-۰/۸	+۰/۱	-۶/۷	+۰/۵
جمع جهان	۶۳۷	۶۳۷	-	-	۹۴	۹۴	+۱/۴	+۱/۵	+۰/۳	+۰/۳	+۱/۶
سال ۱۹۸۵*											
(دوره رشد ۸۵ - ۱۹۷۵)											
کشورهای در حال توسعه	رشد جمعیت	رشد واردات	رشد صادرات	رشد مصرف	رشد تولید	رشد واردات	رشد صادرات	رشد مازاد	رشد کمبود	رشد مصرف	رشد تولید
کشورهای در حال توسعه	+۲/۱	۲/۴	-۴/۱	+۵/۵	-۴/۸	۵۷	۷	-	-۵۷	۲۷۲	۲۱۵
آمریکای لاتین	+۲/۴	۱/۲	۳/۵	+۲/۶	+۳	۱۰	۶	-	-۳	۲۵	۲۴
آفریقای شمالی	+۲/۶	+۴/۱	-	+۴/۴	+۱/۵	۱۴	-	-	-۱۳	۲۰	۷
جنوب صحرای آفریقا	+۳/۱	+۵/۱	-	+۶/۹	۰	۵	-	-	-۶	۷	۱
چین	+۲	+۴/۵	-	+۴/۹	+۱/۳	۱۸	-	-	-	۲۷	۸
هندوستان	+۱/۳	+۵/۲	-	+۸/۲	+۶/۷	۹	-	-	-۱۱	۹۹	۸۸
خاورمیانه	+۲	(-)	-	+۶	+۶	(T)	(T)	-	-	۴۶	۴۵
دیگر کشورهای آسیای	+۲/۹	+۵/۲	-	+۷/۸	+۲/۳	۹	۱	-	-۷	۳۶	۲۹
جمع آسیا	+۲/۳	+۱/۷	-	+۵/۱	+۴/۱	۱۱	۳	-	-۱۶	۳۴	۱۸
کشورهای صنعتی	+۰/۷	۲/۴	۲/۲	-	+۵/۵	۲۸	۱	-	-۳۵	۲۱۵	۱۸۰
جمع جهان	+۱/۷	۲/۴	۲/۴	+۳/۵	+۲	۹۱	۹۱	۶	-	۵۱۲	۵۱۹

* جهت کاهش خطاهای ارقام از میانگین ترکیبی آماری استفاده شده است به عنوان مثال ارقام سال ۱۹۸۵ میانگین سه ساله ۱۹۸۴، ۱۹۸۵ و ۱۹۸۶ می باشد.

ماخذ: International Wheat Council, Long-Term Outlook For Grain Imports By Developing Countries, Secretariat Paper No. 17, (London, July 1988).

مدت واردات کشورهای آمریکای لاتین نیز (با حفظ نرخ رشد قبلی) از ۱۰ به ۱۲ میلیون تن خواهد رسید ضمن اینکه واردات چین از ۹ به ۶ میلیون تن کاهش خواهد یافت و واردات هندوستان قطع خواهد شد. و واردات کشورهای خاور میانه با آهنگی کندتر، از ۹ به ۱۱ میلیون تن خواهد رسید اما رشد واردات سایر کشورهای آسیای با آهنگی سریعتر از ۱۱ به ۲۵ میلیون تن و جمعا " واردات قاره آسیا با ۲/۷ درصد رشد سالانه از ۲۸ میلیون بسته ۴۲ میلیون تن افزایش خواهد یافت. واردات آفریقا نیز اگرچه با آهنگی کندتر از دوره قبل اما از ۱۸ به ۲۸ میلیون تن افزایش خواهد داشت. دور - نمای واردات ایران نیز با توجه به پیش بینی تولید و مصرف ارائه شده در شماره قبل، قابل تبیین خواهد بود.

در بخش صادرات، ۸۵ میلیون تن از کل صادرات ۹۴ میلیون تنی سال ۲۰۰۰ اختصاص به کشورهای پیشرفته صنعتی و فقط ۹ میلیون تن آن به کشورهای در حال توسعه اختصاص دارد. که از این رقم ۸ میلیون تن به کشورهای آمریکای لاتین (آرژانتین) و یک میلیون تن نیز به صادرکنندگان بالقوه آسیای نظیر ترکیه، هندوستان و... مربوط خواهد بود.

اثرات فعالیتهای صادراتی و تسهیلات اعتباری

همان گونه که ذکر شد کشورهای عمده صادرکننده همواره سعی و تلاش بی وقفه ای در جهت حفظ سهم خود در بازارهای جهانی داشته اند. این کوششها در مواقع فزونی گرفتن عرضه بر تقاضای جهانی و به هنگام کاهش قیمتها شکل جدی تری می یابد از جمله می توان به دوره ۸۱/۱۹۸۰ تا ۸۷/۱۹۸۶ که مصادف با کاهش قیمتهای جهانی از ۱۸۲ دلار به ۱۱۰ دلار برای هر تن بود اشاره نمود، طی این مدت سهم فروشهای نقدی پنج کشور صادرکننده عمده گندم از ۸۰ به ۶۲ درصد کاهش و سهم فروشهای

(۱)

اعتباری از ۲۰ به ۳۸ درصد افزایش یافت. طی همین مدت فروشهای اعتباری آرژانتین از ۸ به ۱۲ درصد رسید و سهم این نوع معاملات در سال ۱۹۸۲/۸۳ توسط کانادا تا ۳۶ درصد صادرات گندم این کشور افزایش یافت بطوری که فقط ۶۰ درصد از صادرات کانادا به صورت نقدی و ۴۰ درصد بقیه به صورت هدیه بوده است. همچنین بطور متوسط حدود ۱۴٪ از صادرات گندم استرالیا در چارچوب تسهیلات اعتباری انجام شده است. طی این دوره فروشهای نقدی ایالات متحده آمریکا نیز از ۸۴ به ۲۴ درصد کاهش یافته است. در سال ۱۹۸۶/۸۷ حدود ۳۱ درصد از کل صادرات این کشور تحت برنامه تشویق صادرات (EEP) صورت یافت و ۴۲ درصد بقیه تحت برنامه های دیگر اعتباری نظیر قانون عمومی ۴۸۰ (PL480)، و یا اعتبارات مختلط - از سوی سازمان اعتبارات کالایی (CCC) - صادر شده و ۳ درصد آن نیز به صورت رایگان تحت برنامه های نظیر "غذا برای صلح" و "غذا برای پیشرفت" (۴) به کشورهای مورد نظر هدیه شده است در حالی که در سال ۱۹۸۵/۸۶ حدود ۲۰ درصد از کل صادرات با زار مشترک اروپا تحت تسهیلات اعتباری و سوبسیدهای صادراتی صورت گرفت اما این رقم در سال بعد به ۱۲ درصد کاهش یافت. به عبارت دیگر به علت امکان رقابت بیشتر، این بازار فروشهای نقدی خود را از ۸۰ به ۸۸ درصد افزایش داده است. عمده این فعالیتهای صادراتی حول تقاضای وارداتی دو کشور عمده واردکننده یعنی اتحاد جماهیر شوروی و چین دور می زند زیرا این دو کشور بسادگی قادر خواهند بود با قبول یا رد پیشنهادهای مختلف اعتباری، سهم صادرات کنندگان مختلف را در بازارهای خود در نتیجه دربارجاتر گندم دیگرگون نمایند و از آنجا

(۱): بخشها و کمکهای بلاعوض غذایی و برنامه های نظیر "EEP" و "PL480" رانیز شامل می شود.

(۲): Commodity Credit Corporation.

(۳): Food For Peace.

(۴): Food For Progress.

که به همراه کشورهای نظیر مصر، الجزایر، مراکش، ژاپن، کمره - جنوبی و... جزء واردکنندگان دائمی و مطمئن بازار هستند - بر واردکنندگان کم اهمیت بسیار ترجیح داده میشوند.

به عنوان مثال اگر در طی دوره ۸۱/۱۹۸۰ و ۸۷/۱۹۸۶ سهم ورتبه واردات این دو کشور را در صادرات کشورهای عمده صادرکننده مقایسه نمایم نتایج زیر حاصل خواهد شد که ضرورتی به توضیح بیشتر آن نیست.

رتبه و سهم کشورهای واردکننده در صادرات کشورهای صادرکننده

کشورهای صادرکننده	کشورهای واردکننده	سال ۸۱/۱۹۸۰		سال ۸۷/۱۹۸۶	
		رتبه	سهم %	رتبه	سهم %
آرژانتین	چین	۳	۵	۲	۲۱
	شوروی	۱	۷۶	۳	۱۲
	ایران	-	-	۵	۱۱
استرالیا	چین	۳	۱۳	۱	۲۴
	شوروی	۱	۲۳	۴	۹
	ایران	۵	۶	۳	۱۴
کانادا	چین	۲	۱۸	۲	۱۷
	شوروی	۱	۲۶	۱	۲۹
	کره جنوبی	-	-	۶	۶
بازار مشترک اروپا	چین	۴	۷	۳	۶
	شوروی	۱۲	۳	۱	۵۰
	مراکش	۲	۱۵	۵۶	۰/۰۷
ایالات متحده	چین	۱	۲۱	۳۵	۱
	شوروی	۴	۷	۱۵	۲
	مصر	۷	۵	۲	۱۱

بطور کلی سهم واردات چین و شوروی از کشورهای آمریکای شمالی روبه کاهش و سهم آنها در صادرات سایر کشورهای افزایش نشان می دهد در عوض سهم واردات سایر کشورهای واردکننده عمده نظیر مصر، مراکش، الجزایر، ژاپن، کره و... از سایر کشورهای صادرکننده به نفع کشورهای آمریکای شمالی در چرخش می باشد. اما سهم واردات ایران بطور محسوسی به طرف صادرات دو

(۱)

کشور نیمکره جنوبی سوق یافته است. برابر آخرین گزارشها در سال ۱۹۸۸ شوروی و ایران جزء بزرگترین خریداران ۱۲/۲ میلیارد تنی غلات آرزانتین بوده اند که به ترتیب سهمی معادل ۱۳ و ۳/۱۰ درصد از صادرات این کشور را به خود اختصاص داده اند. سهم ایران در صادرات گندم این کشور ۷۰ هزار تن بوده است و چین نیز سومین واردکننده بزرگ گندم از این کشور بشمار می رود.

اهمیت: قیمت های جهانی گندم در طول دهه های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ تاکنون

دو نقطه اوج داشته است: یکی در سال ۱۹۷۴ و دیگری در سال ۱۹۸۱، که در این دو سال جهان بطور همزمان با افزایش قیمت های جهانی نفت و کاهش ارزش برابری دلار آمریکا نیز روبرو بوده است. بررسی روند شاخص ساله قیمت های جهانی گندم طی دوره ۱۹۷۲ تا ۸۸ حاکی از آن است که میانگین سالانه قیمت های گندم ابتدا از ۷۰ دلار در سال ۱۹۷۲ به ۱۸۱ دلار برای هر تن در سال ۱۹۷۴ افزایش یافته و متعاقب آن در سال ۱۹۷۷ به ۱۰۵ دلار تنزل نموده است. اما در سال ۱۹۸۱ مجدداً به ۱۷۸ دلار افزایش و سپس طی سال های ۱۹۸۶ و ۱۹۸۷ به دلیل وجود مازاد گندم در بازارهای جهانی به ۱۱۵ دلار تنزل

(۱): International Wheat Council, Wheat Support Policies and Export Practices in Five Major Exporting Countries, (London, May 1988).

(۲): به دلیل اینکه بررسی قیمت های همه انواع مختلف گندم از زمینه های مختلف صادراتی و تحت شرایط مختلف معاملاتی از حوصله این مقاله خارج است در مواردی که از نوع دیگر گندم یاد نشده است منظور قیمت فوب گندم شماره ۲ قمرسخت زمستانی با پروتئین معمولی از خلیج مکزیک در ایالات متحده می باشد.

کرده است. با وقوع خشکسالی در آمریکا شمالی و کاهش سطح ذخائر در سال ۱۹۸۸، متوسط قیمت‌های سالیانه مجدداً به ۱۴۶ دلار و در سال ۱۹۸۹ به ۱۶۸ دلار افزایش یافت و پیش‌بینی می‌شود که روند افزایشی قیمت‌های گندم که از اوایل سال ۱۹۸۸ شروع شده بود در سال ۱۹۸۹ نیز همچنان تداوم یابد. قیمت‌های صادراتی گندم در دوماه‌ها ژانویه و فوریه ۱۹۸۹، دلیل نامساعد بودن وضع آب و هوایی در ایالات متحده و... ضمن حفظ روندی صعودی خود، حدود ۵ درصد نسبت به قیمت‌های نوامبر ۱۹۸۸ بالاتر بوده‌اند. علت دیگر این صعود را می‌توان ناشی از افزایش تقاضای وارداتی دو کشور عمده واردکننده یعنی چین و شوروی تحت برنام‌های گسترش صادرات ایالات متحده آمریکا (EEP) در طی این دوماه دانست. ولی اگرچه بنظر می‌رسد کاهش قیمت‌های ذرت و سویا در ایالات متحده آمریکا به دلیل اجرای برنام‌های "EEP" فشارکاهنده‌ای بر قیمت‌های جهانی گندم وارد نخواهد کرد و علی‌رغم پیش‌بینی‌های سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد و شورای بین‌المللی گندم مبنی بر برطرف شدن موانع آب و هوایی و امکان افزایش تولید گندم تا ۵۴۰ میلیون تن در سال ۱۹۸۹، با احتمال عدم توقف روند افزایشی قیمت‌ها قوی خواهد بود زیرا به فرض تحقق چنین رقمی که نسبتاً با مصرف جهانی سربسته است هنوز هم سطح ذخائر کاهش یافته جهانی فاصله زیادی با حد مطلوب خود دارند و نگران‌کننده بودن سطح ذخائر هنوز به قوت خود باقی است زیرا مصرف روبه‌تزیایدی اندک کاهش در تولید، قیمت‌ها را به سمت افزایش مجدد سوق خواهد داد.

بطور کلی شاید بتوان قیمت گندم در وضعیت تعادل بازارهای جهانی را بین ۱۲۰ تا ۱۴۰ دلار برای هر تن جستجو کرد اما عواملی نظیر: عرضه و تقاضای گندم و غلات دامی در جهان، نوسانات سطح ذخائر جهانی گندم (۱): این دو کشور طی دوماه اول سال ۱۹۸۹ به ترتیب ۱۰۲ میلیون تن گندم تحت برنام‌های "EEP" از ایالات متحده آمریکا خریداری نموده‌اند.

وسایر غلات جایگزین، سطح قیمت‌های سایر انواع غلات، پیش‌بینی‌های مختلف در خصوص سطح زیرکشت و میزان محصول آبی در نقاط مختلف با توجه به شرایط آب و هوایی و میزان انعکاس آن در افزایش، کاهش و یا پیش‌انداختن تقاضای وارداتی، تراکم تقاضای وارداتی، سطح قیمت‌های تضمینی یا حمایتی در کشورهای مختلف، شدت و سطوح مختلف برنامه‌های تشویق صادرات و سوبسیدهای صادراتی و در نتیجه میزان رقابت کشورهای صادرکننده در طی دوره‌های مختلفه موافقتنامه‌های ترجیحی کوتاه یا بلندمدت، وضعیت کلی اقتصادی حاکم بر جهان و بالاخره ارزش برابری دلار آمریکا را می‌توان جزء عمده‌ترین عوامل تاثیرگذار بر قیمت جهانی و انحراف از دامنه قیمت‌های تعادل نام برد. اما در میان انواع مختلف گندم اگر گندم شماره ۲ قرمز سخت زمستانه با پروتئین معمولی را مبنا قرار دهیم در طی دوره شانزده ساله مورد بررسی قیمت گندم شماره ۲ قرمز نرم زمستانه بطور متوسط حدوداً " بین یک تا ده دلار در هر تن کمتر از قیمت‌های گندم فوق‌الذکر بوده است. از طرفی قیمت‌های گندم شماره ۲ قرمز سخت زمستانه با پروتئین ۱۳ درصد بطور متوسط بین یک تا هفت دلار و قیمت‌های گندم بهاره شماره ۲ با پروتئین ۱۴ درصد بطور متوسط حدوداً پانزده دلار در هر تن بیش از قیمت‌های گندم با پروتئین معمولی بوده است. (۱)

از طرفی قیمت‌های هر یک از گندم‌های صادر شده آمریکا، از بنادر خلیج مکزیک حدوداً " بین دو تا چهار دلار ارزانتر از قیمت‌های همان نوع گندم صادر شده از بنادر اقیانوس آرام بوده است و در عین حال قیمت‌های فوب سواحل اقیانوس اطلس بین یک تا دو دلار در هر تن گرانتر

(۱): تفاوت قیمت‌های انواع مختلف گندم در سال‌های که قیمت‌ها افزایش زیادی داشته اند به حد اقل و گاه به بعضی‌ها رسیده است.

از قیمت‌های فوب خلیج مکزیک بوده است. در مورد گندم‌های کانادایی نیز ضمن اینکه همیشه قیمت‌های گندم قرمزبهاره ۱۳/۵ درصد صادراتی این کشور بین دو تا چهار دلار بیشتر از قیمت‌های گندم قرمزبهاره ۱۲/۵ درصد بوده است قیمت‌های فوب تاندر بی (Thunder Bay) بطور متوسط حدوداً "ده دلار کمتر از قیمت‌های گندم صادر شده از بنادر سنت لورنس و همچنین قیمت‌های فوب سنت لورنس بطور متوسط حدود سه دلار بیشتر از گندم‌های صادر شده از بنادر اقیانوس اطلس و سرانجام قیمت‌های فوب سواحل اقیانوس آرام حدود یک دلار بیشتر از قیمت‌های فوب اقیانوس اطلس بوده است. معمولاً (۱) کمترین قیمت‌ها به گندم‌های قرمز نرم زمستانه و گندم‌های سفید زمستانه و بهاره که بیشتر در شیرینی سازی به مصرف می‌رسند تعلق دارد و بالاترین قیمت‌ها به گندم‌های دروم (durum) و یا گندم‌های با درصد پروتئین بالا که در تهیه ماکارونی استفاده می‌شود تعلق دارد. در حالی که گندم‌هایی که معمولاً برای تهیه نان بکار می‌روند (قرمز سخت زمستانه یا بهاره) قیمت‌های بینا بین دارند. این گندم‌ها در سوئد و آرژانتین معمولاً بین دو تا هفت دلار در هر تن ارزانتر از قیمت فوب گندم شماره ۲ سخت زمستانه در آمریکا بوده‌اند. اما با توجه به قیمت‌های فوب و نرخ‌های حمل و نقل و برخی پارامترهای دیگر به نظر می‌رسد گندم استرالیا برای کشورهای خلیج فارس انتخاب مناسبتری باشد.

بطور کلی علاوه بر عنصر عرضه و تقاضا ارزش برابری دلار آمریکا

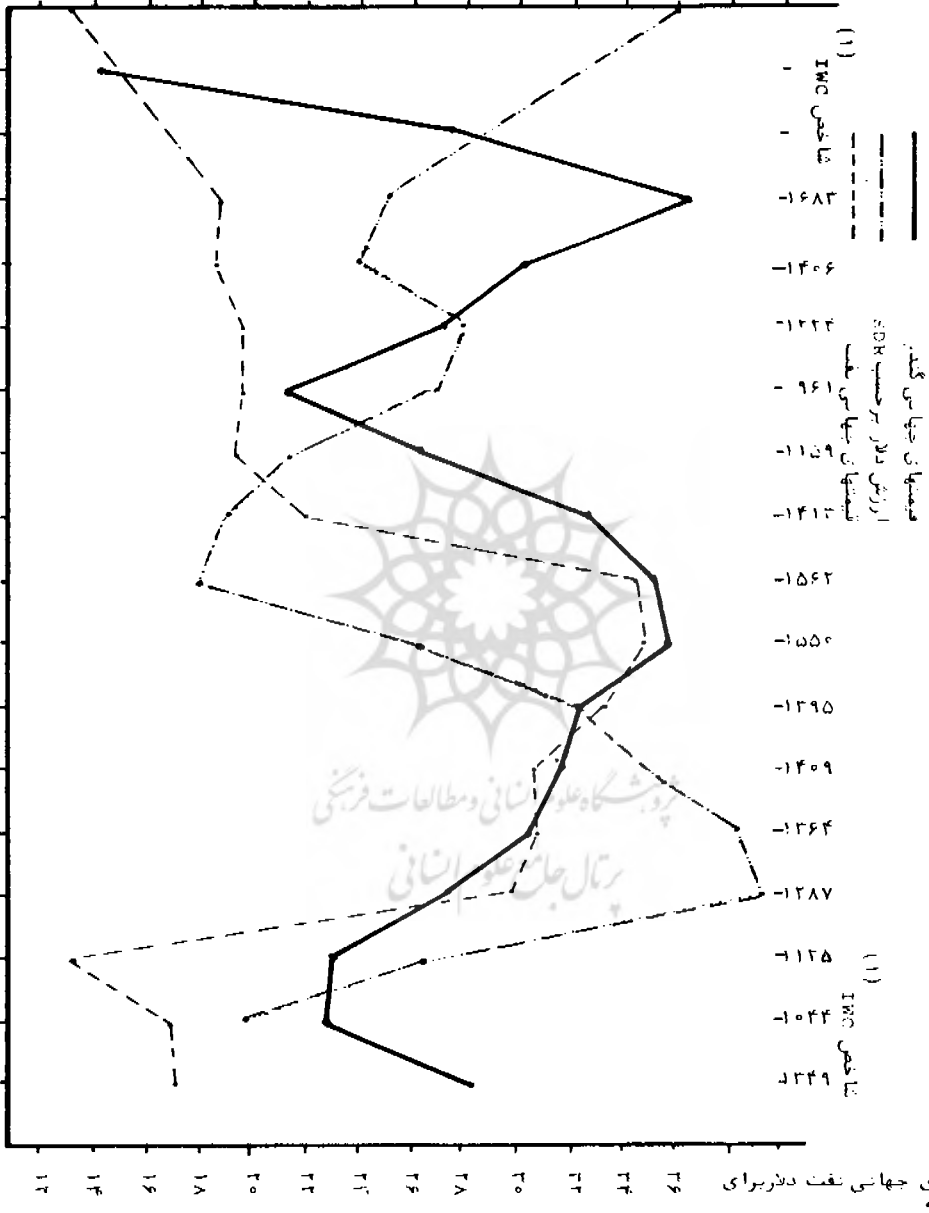
و قیمت‌های جهانی نفت نیز قیمت‌های جهانی گندم را تحت تاثیر قرار

خواهند داد به همین دلیل روند تغییرات این عوامل در نمودار شماره

(۱): اختلاف در قیمت فوب یک نوع گندم در بندرگاه‌های مختلف صادراتی را می‌توان به تغییرات ناشی از تسهیلات بندری و طول مسیرهای حمل و نقل، تغییر در نرخ حمل و بیمه و سیاست‌های گمرکی کشورهای مختلف نسبت داد. ۶۴

ارزش دلار بر حسب SDR

قیمت های جهانی گندم دلار برای هر تن



۶ رسم گردیده است. از آنجا که ایالات متحده آمریکا عمده ترین صادرکننده گندم است و این محصول در معاملات جهانی با دلار معامله می شود. معمولاً " رابطه قیمت‌ها نسبت به تغییرات ارزش دلار معکوس بوده است بدین صورت که در مواقع کاهش ارزش دلار قیمت‌ها میل به افزایش (والبته به دلیل قیمت‌های پایین تر در آمریکا سهم این کشور در صادرات جهانی بیشتر خواهد شد). و برعکس در مواقع تقویت ارزش دلار میل به کاهش می یابند و سهم این کشور در صادرات جهانی تنزل می یابد. از طرفی در مواقع افزایش قیمت‌های جهانی نفت، عمدتاً " قیمت سایر محصولات کشاورزی و به تبع آن قیمت‌های جهانی گندم نیز به دلیل افزایش هزینه‌های تولید، سوخت، کودهای شیمیایی و حمل و نقل نیز بارابلهای مستقیم افزایش خواهند یافت.

بسمه تعالی

قابل توجه خوانندگان محترم

مؤسسه مطالعات پژوهشهای بازرگانی در دؤین نمایشگاه ملی
کتاب تهران که از ۱۷ الی ۲۹ اردیبهشت ۱۳۶۸ در محل دائمی نمایشگاهها
برگزار می شود شرکت نموده و نهشارات خود را با ۵۰ درصدی تخفیف در

اختیار علاقمندان و دانش پژوهان مترا مید:

روابط عمومی
مؤسسه مطالعات پژوهشهای بازرگانی